

# شاهنامه فردوسی

پندها و اندرزها

عزت‌اله معینی‌گودرزی



شاهنامه فردوسی پند ما و اندر ما

عزت‌الدین معنی‌گودرزی

حروفین کدور

مجموعه آرای طوفان

چاپ نخست ۱۳۸۷

شمارگان ۳۰۰۰ نسخه

لیتوگرافی قاطلو

صحافی کومر قابسازی ابریشمی

شابک ۰-۳۳-۸۹۷۱-۹۶۴-۹۷۸

مدیریت تولید: محمدسید محمد رضا ابریشمی

ناشر ابریشمی فر - تهران صندوق پستی ۳۸۶-۱۳۴۴۵

آریا شهر بلوار فردوس رز غربی تلفکس ۴۴۰۵۶۷۶۶

حق چاپ محفوظ است

۸۵۰۰ تومان

فردوسی، ابوالقاسم، ۳۲۹-۴۱۶ ق.

شاعر، برگزیده، چندماداندوزها و عزت‌الدین منلی کودرزی تهران: ابریشمی فر ۱۳۸۷

۹۷۸-۹۶۴-۸۹۷۱-۴۳-

۲۰۰ ص: مسرودگی

فردوسی ابوالقاسم ۳۲۹-۴۱۶ ق. شاعر. شعر فارسی -- قرن ۴ ق

سکلی کودرزی. عزت‌الدین ۱۳۳۴ - ۱۳۸۱ ش ۶ م / PIR ۴۹۱

۱۱۵۵۶۷۴

۲۱ ر ۸

این کتاب را به محرم که مشرازو شبهای زندگی و شب زنده دارمهای مرا  
صبر از تحمل می کند تقدیم می کنم.

عزت اله معینی کوردزی

بناام خدا

اکثر مردم ایران زمین بر این باورند که شاهنامه فردوسی ساخته و پرداخته ذهن شاعر است. شاعر با هنر خلاق خود داستانهای موجود در شاهنامه را خلق کرده پس از آن به نظم در آورده و البته برای نظرات معترضان خود اشاری از شاهنامه را اقامه می کند و آرا و لیلی بر خلق داستان و اشار از فردوسی می داند. بطور مثال

چنین نامداران و کردگشان      که دادم یکایک از ایشان شان  
هر مسروده از روزگار دراز      شد از گفت من نامشان زنده باز  
چو یسا من این مردگان را قام      سراسر زنده کردم بنام  
و لیلی دیگری که اقامه می کند می گویند تاریخ مستند ایران از ایلامیان و مادها و محاشیان  
آغاز شده و به ساسانیان در دوران ظهور اسلام و سقوط آن امپراطوری پایان یابد.  
در تهیه جانی برای حکومت کیومرث و هوتک و طهمورث، جمشید و ضحاک و فریدون در  
تاریخ وجود ندارد و خصوصاً تاریخ ویدایش بهمان و فرود آدم (ابوالبشر) بر روی زمین تا  
فرزندان و فرزندان او در تورات کتاب آسمانی نوشته شده و در هیچ جای تورات اسی از  
افراد شاهنامه فردوسی برده نشده.

در جواب این عزیزان باید گفت تورات یا همان عهد عتیق خاص یا بهران سامی نژاد  
است و محدوده قصص تورات و تاریخ آن از فلسطین و کنعان و سینا و شبه جزیره حجاز پا

فرا تر تنهاده خارج از این محدوده را نمی توان نادیده گرفت چون در عهد حقیق وجود ندارد.

نژاد زردپیشی چینیان که تاریخی طولانی و کهن دارند و یا سرزمین هندو حاکمان ایران به جز چند مورد که آنهم به حکم ضرورت از ایران نام برده شده دیگر اسمی از ایران برده شده . شاید اگر کورش بزرگ یهودیان را از بند بابلها نجات نمی داد اسمی از او نیز برده نمی شد پس اگر در عهد حقیق نامی از نقاط دیگر دنیا برده شده ، دلیل بر نبودن آن قسمت از دنیا و یا تخی بودن آن منطقه از سکنه نیست.

کشته دیگری که در این رابطه باید توجه شود این است که تاریخ حرمت زمانی قابل فهم و شناخت است که از طرف آن ملت و مردم آن نوشته و یا بازگو شود . از زبان ملت یکانه چون اسمی در قالب زبان آن ملت جای گیرد به گونه ای تفسیر می کند که ممکن است مرکز شایسته شود .

مثلا کورش نجات دهنده یهودیان از بند بوفد نصر در کتاب عهد حقیق کوروس ، سیروس ، کورش و خیابار را به نام اختورش نام برده شده که مطابقت آن با اسم فرد ملت دیگر مثل است .

دلیل دیگر اینکه تاریخ مقصد ساله ایلامیان در ایران و هم عصر دولت قدرتمند آشوریان در کنار دجله و فرات که سرانجام به وسیله همان دولت و پادشاه جبار و خوزیرشان آشوربانی پال منقرض شدند.

در کجای تاریخ از آنجا و یا پادشاهان و شهرهایشان نامی برده شده؟  
جز چند گل نوشته و سنالین که موجودیت آن قوم را ثابت می کند.  
لذا می تواند و امکان آن هست که داستانهای اساطیر ایران که بعدها حکیم توس آنرا به نظم در آورد از آن زمان و یا منقشی دیگر باشد.

داستان ایلام و اودسه شاعر یونانی هومر همیشه در ذهن خوانندگان آن کتاب افزای زیبا و دلنشین بود، خصوصاً جنگ معروف تروآ.

تا اینکه شصت سال قبل یعنی در دهه ۱۹۴۰ باستان‌شناسی انگلیسی در شهرکی کوچک در ترکیه بنام بودروم اعلام کرد شهر تروآوارک معروف پرکام را پیدا کردم و امروزه دنیا می داند هومر افزای زیبا بلکه اسب چوبی شهر تروآ وجود داشت.

می توان فردوسی را تنها حماسه سرای ایران زمین و خالق کتاب بی نظیر شاهنامه خواند اما قبل از فردوسی قصه ها و داستانهای اسطوره ای ایران وجود داشت و بسیاری سعی کردند آنرا به نظم در آورند تا مطابق میل مردم آن روزگار در فکرشان باقی بماند، اما موفق نشدند.

دقیقی \* هزار ست از اساطیر ایران زمین تحت عنوان کتب نامه به نظم در آورده، او به دست غلامش کشف شد و کتابش ناتمام ماند. مسودی مرزوی و کتاب ابو منصور دو کتاب تاریخ ایران که از قبل نوشته شده بود در آغاز کار فردوسی به او دادند.

پاورقی \* شاهنامه ابو منصور عبدالرزاق که ابوریحان بیرونی از آن یاد کرده و ابو منصور عبدالملک ثمالی (غرور الاخبار ملوک الفرس) از شاهنامه قبل از فردوسی یاد کرده اند



بدون شک فرحنگ و ادب فارسی مدیون فردوسی و شاهکار عظیم اوست.

زیرا این بزرگ مردی سال یا بیشتر در این رابطہ رنج و خمر و ناملایات و احانت را تحمل کرد تا این حماسه بزرگ را بوجود آورد.

داستانهای دلاور مردان ایران زمین اگر چه بصورت نظم وجود داشته، اما به شیوه تشریف شیرین و گیرا وجود داشته و عامه مردم داستانهای کدشتخان خود را می دانستند. و همواره شغل محافل مردم این مرز و بوم بوده شاید شبهای طولانی زمستان و اوقات فراغت خود را با گفتن قصه های دلاور مردان خود سپری می کردند. نقالان امروزی قصه خانه ها شیوه هزاران سال قبل را هنوز ادامه می دهند.

و در بین زنان بگونه ای دیگر بود، زنانیکه همسرانشان و یا فرزندانشان در جنگها شرکت کرده و سالها دور از آنها و بی خبر از حال و روز عزیزانشان دلتنگ می شدند، و نمی دانستند که هنوز زنده اند و یا سالیان قبل در جنگها و یا سرمای طاقت فرسا در سرزمینهای دور جان باخته اند.

بگذریم جمع می شدند و زنانیکه صدای دلنشینی داشتند با سر دادن سوزشون و یا سیاوش خوانی زنگار از دل غم زده خود می کاستند و غم و اندوه ناشی از دوری و بی خبری از عزیزان خود را به این طریق کم می کردند و امروز در روستاهای شرق کشور هنوز هم متداول است.